

آموزش زبان و گفتگوی والد محور

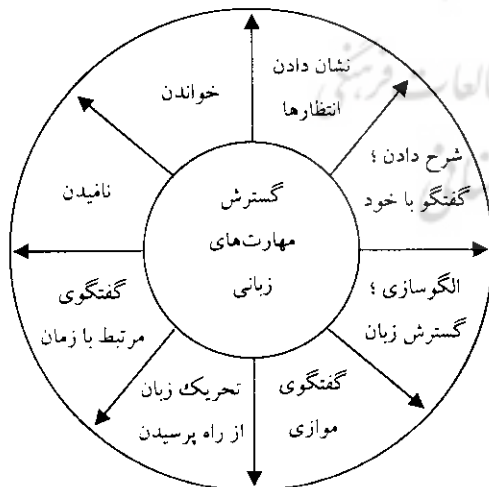
امیرحسین ابراهیمی / کارشناس ارشد شنوایی شناسی

چکیده

در این مقاله روش‌هایی که به والدین کمک می‌کنند تعاملات محاوره‌ای خود را با کودک دارای آسیب شنوایی‌شان ساده کنند، مورد بحث قرار می‌گیرد. فرض بر این است که تعاملات محاوره‌ای رضایت بخش بین کودک و والدین موجب پرورش رشد گفتار و زبان کودک می‌شود و رشد اجتماعی، هیجانی و هوشی او را بهبود می‌بخشد. در این میان درمانگر می‌تواند نقش چشمگیری در کمک به والدین ایفا کند تا پیام‌زنده چگونه از رشد زبان و گفتگو پشتیبانی کنند. اگرچه بین روش‌هایی که والدین گفتار یا زبان را پرورش می‌دهند تفاوت واقعاً آشکاری وجود ندارد در این مقاله، نخست زبان و سپس گفتگو مورد توجه قرار می‌گیرد.

هنگام آموزش والدین مهم است به یاد داشته باشید آنها کودک خود را بهتر از هر فرد دیگری از جمله تمام درمانگران، می‌شناسند. نقش درمانگر، فراهم کردن اطلاعات و کمک به والدین است تا برای رشد زبان و مهارت‌های محاوره‌ای از استعداد، دانش و تجربه‌های خود استفاده کنند. الگوهای ارتباطی در زمینه‌ی نظام خانواده پدیدار می‌شوند و مؤثرترین راهبردها برای ترغیب رشد ارتباط، آنهایی هستند که با محیط خانواده هم‌زیست‌اند.

زمان جداگانه‌ای برای خانواده‌ی کودک در نظر بگیرد و روش‌های تمرین تحریک زبان در خانه را شرح دهد. بزرگسالان در زندگی روزمره‌ی کودک فرصت برجسته‌ای برای تحریک تولید زبان کودک دارند. تکنیک‌های آمده در نمودار ۱ روش‌هایی را که والدین می‌توانند رشد زبان کودکشان را تحریک کنند، نشان می‌دهند. انجام این تکنیک‌ها برای والدین ساده است و بنابراین به طور بسیار مؤثری موجب گسترش توانش زبانی کودک می‌شوند. درمانگرانی که اغلب با کودکان دارای آسیب شنوایی تعامل می‌کنند، ممکن است برای تحریک رشد گفتار و زبان کودک در محیط درمان یا زندگی روزمره از این تکنیک‌ها استفاده کنند. تکنیک‌های تحریک زبان در زیر آمده‌اند.



نمودار ۱: تکنیک‌های تحریک زبان مورد استفاده‌ی والدین برای گسترش مهارت‌های زبانی کودکشان

مداخله‌ی زبان والد محور^۱

درمانگر ممکن است به‌ویژه در مورد خردسالان

نشان دادن انتظارها^۲

نخستین تکنیک، نشان دادن انتظارها است. منتظر پاسخ کودک باشید. اغلب هنگام تعامل، پس از آنکه چیزی گفتید با خم کردن سر و بالا بردن ابروها نشان دهید که در انتظار پاسخ هستید. این تکنیک روشی کارآمد برای استخراج پاسخ کلامی کودک است. همچنین الگوی نوبت گیری برای گفتگو را ایجاد می کند. برای مثال، بزرگسال ممکن است بگوید: "خوب، تو یک قطعه داری؟ با اون می خوای چکار کنی؟" سپس به جای ادامه دادن، ممکن است مشتاقانه به کودک نگاه کند و منتظر پاسخ بماند.

شرح دادن و گفتگو با خود^۳

تکنیک دوم، شرح دادن و گفتگو با خود است. در این تکنیک، بزرگسال از رویداد یا اندیشه‌ای که کودک به آن علاقمند است استفاده می کند و جنبه‌های گوناگون آن را توضیح می دهد. بزرگسال ممکن است از تکنیک گفتگو با خود استفاده کند و با صدای بلند درباره‌ی اندیشه‌ها یا کاری که انجام می دهد، صحبت کند. اینگونه او نشان می دهد که می توان با اندیشیدن به صدای بلند از زبان برای سازماندهی، تحلیل و هدایت کارها استفاده کرد. برای مثال، با استفاده از روش ترجیحی کودک برای برقراری ارتباط، بزرگسال ممکن است بگوید: «خواربارها را باز می کنم. حالا گوشت رو بیرون آوردم. امشب شام کباب می خوریم.» اگرچه کودک در گفتگو شرکت نمی کند، بزرگسال همچنانکه خواربارها را بیرون می آورد به صحبت ادامه می دهد. مثالی از گفتگو با خود را می توان در شخصیت‌های پویانمایی^۴ دید. باگربانی و مورچه خوار از جمله شخصیت‌هایی هستند که الگوی گفتگو با خود را

نشان می دهند.

آدم‌های سر و زبان دار درباره‌ی آنچه انجام می دهند و آنچه می اندیشند، صحبت می کنند. آنها به کانون توجه کودک دقت می کنند و درباره‌ی آن حرف می زنند. حتی اگر کودک معنای واژه‌ای را نفهمد، زمینه‌ی موضوع (بیرون آوردن خواربارها، چیدن گل‌ها) به واژه‌های آنها معنا می بخشد. بزرگسالان می توانند به گونه‌ای عمل کنند انگار کودکشان در گفتگو شرکت کرده، دقیقاً همچون مادرانی که گاه با نوزاد شنوای خود حرف می زنند. برای مثال، مادران گفته‌های خود را برحسب حالات چهره، ایماهای بدن^۵، آواسازی و شبه واژه‌سازی^۶ نامفهوم شیرخوار خود ابراز می کنند. این نوع صحبت کردن، موجب رشد زبان کودک می شود و به کودک نشان می دهد گفتگو چه کارکردی دارد. بزرگسالان با گفتگو به این شیوه نقشی خیالی برای کودک می آفرینند و به رشد مهارت‌های محاوره‌ای کودک برای کامل کردن زبان کمک می کنند.

هنگامی که استفاده از این تکنیک را پیشنهاد می کنید، به این نکته توجه کنید که بزرگسال آن را به معنای "گفتن، گفتن و بازهم گفتن" تفسیر نکند. هدف تک گویی بی پایان نیست. ضروری است وقتی بزرگسال با کودک صحبت می کند کانون توجه کودک را دنبال کند و به شیوه‌ای خودمانی درباره‌ی کانون توجه کودک و آنچه رخ می دهد، صحبت کند. همچنین، مکث در فاصله‌های زمانی مناسب، به کودک زمانی برای اندیشیدن و فرصتی برای کمک به رشد و جهت دهی گفتگوی دونفره می دهد.

الگوسازی و گسترش زبان^۷

هنگام استفاده از تکنیک الگوسازی و گسترش

و بنابراین به کودک الگویی بدهد از این که چگونه آنچه می‌خواهد را درخواست کند. اگرچه پرسشگری می‌تواند ابزار سودمندی در برانگیختن پرسش‌ها باشد، ممکن است پرسش‌های زنجیره‌وار سد راه مشارکت فعال کودک شوند.

گفتگوی مرتبط با زمان^{۱۱}

برای اینکه به کودک کمک کنید مفاهیم و زبان زمان را رشد دهد، واژه‌های مرتبط با زمان را با رویدادها یا کارهای روزمره‌ی مهم برای کودک پیوند دهید. برای مثال، بزرگسال می‌تواند در گفتگوهای خود از ترتیب و توالی و واژه‌های مرتبط با زمان همچون «پیش از، پس از، هنگام» استفاده کند. مثلاً، مادر ممکن است بگوید: «اول شیر می‌ریزیم بعد تخم‌مرغ رو اضافه می‌کنیم و در آخر اونارو هم می‌زنیم.» که استفاده از واژه‌های مرتبط با زمان (اول، بعد و آخر) را نشان می‌دهد.

هنگام استفاده از تکنیک الگوسازی و گسترش زبان، بزرگسال با تغییر یا گسترش دستور زبان پیام، معنای گفته‌ی کودک را رونویسی می‌کند

در آمیختن واژه‌های مرتبط با زمان با کارهای معمول روزانه یا رویدادهای مهم زندگی خانواده یا کلاس درس به کودک کمک می‌کند واژه‌ها را با چهارچوبهای زمانی معنادار مرتبط کند. همچنین ارائه و تقویت واژه‌های مرتبط با زمان علاوه بر گسترش مهارت زبان موجب رشد مفاهیم انتزاعی، گذشت زمان و الگوبرداری توالی رویدادها در کودک می‌شود.

زبان، بزرگسال با تغییر یا گسترش دستور زبان پیام، معنای گفته‌ی کودک را رونویسی می‌کند. برای مثال، کودک ممکن است بگوید: «قیچی.» پس از آن مادرش ممکن است با گفتن «قیچی را می‌خواهی؟» قیچی برای بریدن است. گفته‌ی کودک را گسترش دهد. برخی سودمندی‌های استفاده از الگوسازی و گسترش عبارت‌اند از:

- ۱) تقویت پیام کودک
- ۲) معرفی ساختارهای تازه‌ی زبانی و
- ۳) تشویق کودک به تقلید ساختار درست.

گفتگوی موازی^{۱۲}

در گفتگوی موازی، بزرگسال زبان را با هر فعالیتی که کودک انجام می‌دهد هماهنگ می‌کند. برای مثال، وقتی کودک به آرامی با جانوری عروسکی بازی می‌کند، بزرگسال ممکن است از گفتگوی موازی استفاده کند و بگوید: «خرس عروسکی رو بغل کردی؟ حالا داری به خرس غذا می‌دی؟» این شیوه، الگو و نیز تفسیری از ساختارهای زبان فراهم می‌کند و موجب گفتگوی دوجانبه می‌شود. برای مثال، کودک ممکن است به گفته‌ی پیشین پاسخ دهد: «بله، این خرس عروسکی منه.»

تحریک زبان از راه پرسیدن^{۱۳}

پرسش‌ها اگر درست مورد استفاده قرار بگیرند، روشی کارآمد در تحریک زبان هستند. استفاده از پرسش‌ها به کودکان الگو می‌دهد چگونه پرسش‌ها را بپرسند و پاسخ دهند. برای مثال، کودک ممکن است به لیوان روی میز اشاره کند و بگوید «آب؟» بزرگسال ممکن است پاسخ دهد «آب می‌خواهی؟»

نامیدن^{۱۲}

بزرگسال در نامیدن (برچسب زدن)، اشیاء، کارها و رویدادها را نام می برد. برای مثال، بزرگسال ممکن است وقتی کودک فنجان اسباب بازی را برداشته، از راهبرد نامیدن استفاده کند و بگوید: « این یه فنجونه.»

خواندن

بدون توجه به سن کودک، خواندن یکی از کارآمدترین و دوست داشتنی ترین روش های غنی کردن زبان است. خواندن کتاب های ساده ی مصور (که برای غنی کردن گنجینه ی واژگان طراحی شده اند)، یا داستان های سترگ و دانشنامه ها، برای کودک یا بوسیله ی خود کودک، موجب رشد گنجینه ی واژگان، نحو، معناشناسی و کاربرد زبان می شود. از داستان ها می توان اطلاعات جهان شمول، اجتماعی و الگوهای گفتگو را به دست آورد. برای مثال، از راه خواندن، کودک می آموزد فرهنگ ها و خانواده های دیگری نیز وجود دارد. کودک بیشتر اجتماعی بودن، خوش رفتاری یا گستاخی و چگونگی آغاز و پایان گفتگو را می آموزد. خواندن، کلیدی برای گنجینه ی سرشاری از اطلاعات و پایه ای برای رسیدن به موفقیت آموزشی است. والدین باید تشویق شوند روالی فراهم کنند تا با کودک خود بنشینند و از با هم کتاب خواندن لذت ببرند.

برای افزایش سودمندی خواندن چندین روش وجود دارد. این روش ها عبارت اند از:

■ پیش از خواندن کتاب، رویدادهای داستان را پیش بینی کنید. اگر کتاب مصور است به تصاویر نگاه کنید و در مورد آنها اظهار نظر کنید. مانند: « بیا اول به شکل ها نگاه کنیم. فکر می کنی در این شکل چه اتفاقی افتاده؟ بعد چی میشه؟ چرا اینجوری میشه؟»

■ پس از خواندن داستان درباره ی آن بحث کنید. آنچه رخ داده را مرور کنید. " فکر می کنی شخصیت اصلی داستان وقتی چنین اتفاقی می افته چه احساسی داره؟ " پیش بینی هایی را که پیش از خواندن داستان کرده اید، بازبینی کنید و پرسش هایی همچون: " فکر می کنی درباره ی این تصویر درست حدس زده بودیم؟ " را از خود پرسید. داستان را برای کودک، خانواده یا کلاس شخصی کنید. " آیا این مورد برایت تاکنون رخ داده؟ "

■ اطلاعات یا واژه های تازه ی داستان را گسترش دهید. پیش از خواندن داستان برخی از واژه ها و اطلاعات تازه را ارایه کنید. برای مثال، ممکن است بگویید: " این داستان درباره ی هشت پا است. می دونی هشت پا چه جور جانوریه؟ اینجا عکس یه هشت پا رو می بینی ". سپس در صورت وجود واژه های تازه در داستان از آن واژه ها در گفتگوی پس از آن استفاده کنید. در صورت وجود اطلاعات تازه آنها را در گفتگو یا زمینه ی دیگری گسترش دهید.

■ کتاب های برگزیده را بازخوانی کنید. اگر کتاب داستان مصور است، بگذارید کودک داستان را برحسب تصاویر بازگو کند.

■ فعالیت های مرتبط با سوادآموزی را تشویق کنید. با کشیدن چند تصویر، داستانی بگویید یا نمایشی اجرا کنید. رویداد ناخوشایندی مانند بالا رفتن از چهار پایه و افتادن از آن را با ایما و اشاره نمایش دهید. این نوع فعالیت ها، حس داستان سرایی، نمایش و درک داستانی و نکته های ظریف زندگی روزانه را رشد می دهند.

ارایه ی یادداشتی به والدین و گفتن: " اینها را در خانه امتحان کنید "، " خیلی سودمند نیست. " در

هر قطعه‌ای را که کودک بر می‌داشت می‌گفتید می‌پسندم." با این گفته، شما به مادر تقویت مثبت داده‌اید و به او آموخته‌اید چگونه گنجینه‌ی واژگان را با استفاده از "نامیدن" افزایش دهد. تردیدی وجود ندارد چنین گفته‌ای موجب اعتماد به نفس و حس خرسندی مادر از جلسه‌ی بازی می‌شود.

ممکن است هنگام جلسه‌ی غیر رسمی بازی درمانگر نیز به والد پیوندد (اگرچه درمانگر باید دقت کند اداره‌ی جلسه‌ی بازی را بدست بگیرد). درمانگر ممکن است تکنیک گسترش زبان را به نمایش بگذارد و فعالیت‌های اضافی پیشنهاد کند. اینگونه والدین می‌توانند کارایی تکنیک را ببینند و دریابند که احتمالاً فراتر از توانایی‌شان نیست ("من هم می‌توانم آن را انجام دهم").

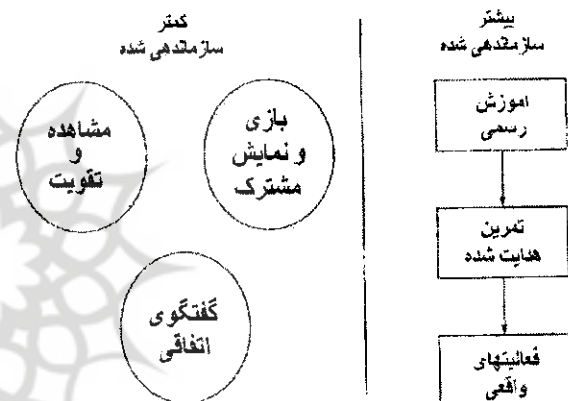
از دیگر فعالیت‌های کمتر سازماندهی شده، بحث‌های اتفاقی (غیرجدی) است. برای مثال، والد ممکن است از شما پرسشی درباره‌ی رشد زبان پرسد و شما ممکن است تکنیک را به طور غیررسمی شرح دهید.

در این نوع تعامل‌های کمتر سازماندهی شده، بسیار مهم است درمانگر کاردانی و احترام به والدین را تمرین کند. هر زمان که امکان داشته باشد درمانگر باید از داوری در مورد والدین، خرده‌گیری یا منفی بودن پرهیزند. هدف اختیار دادن و توانمند کردن والدین است تا رشد زبان را ساده کنند؛ خرده‌گیری یا نمایش غیرضروری مهارت متخصصان تنها موجب از بین رفتن تلاش‌های خیرخواهانه‌ی درمانگر می‌شود.

آموزش بیشتر سازماندهی شده

آموزش والدین می‌تواند منظم و سازماندهی

صورت امکان، باید آموزش هم‌زمان را نیز با این اندیشه‌ها همراه کرد. والدین ممکن است در چگونه استفاده کردن از تکنیک تحریک زبان آشکارا به راهنمایی نیاز داشته باشند. آموزش می‌تواند به شیوه‌های گوناگون (از کمتر سازماندهی شده تا بیشتر سازماندهی شده) انجام شود (نمودار ۲). تکنیک‌های تحریک زبان (با سازماندهی کمتر یا بیشتر) حتی برای آموزگاران کلاس عادی، به‌ویژه اگر نخستین باری است که با دانش آموز سخت‌شنوایی سر و کار دارند، نیز سودمند است.



نمودار ۲: دوروش آموزش والدین در زمینه‌ی

تکنیک‌های تحریک زبان و گفتگو

آموزش کمتر سازماندهی شده

رفتارهای تحریک زبان را می‌توان با استفاده از چهارچوبی نسبتاً غیرسازماندهی شده و به شیوه‌ای غیر رسمی در والدین شکل داد. برای مثال، می‌توانید رفتار والد و کودک را هنگامی که در جلسه‌ی بازی در خانه یا درمانگاه سرگرم گفتگو هستند، زیر نظر بگیرید. پس از آن، مثلاً به مادر بگویید: "وقتی با قطعات لگو بازی می‌کنید، خیلی به مرکز توجه کودک دقت می‌کنید. من روشی را که در آن رنگ

کودکشان در خانه را روی نوار ضبط کنند و با مرور نوارها ببینند آیا تکنیک گسترش زبان را انجام داده‌اند یا خیر. این کار به آنها کمک می‌کند مراقب تلاش‌های خود در تحریک زبان باشند و موفقیت تلاش‌هایشان را ارج نهند.

هنگام به کارگیری تمرین واقعی، درمانگر می‌تواند رهنمودهای زیر را سرلوحه‌ی خویش قرار دهد:

■ **فعالیت باید از پیش، تمرین و بحث شده باشد:** فعالیت باید به چیزی مرتبط با خانواده پردازد که بین درمانگر و خانواده بحث شده باشد.

■ **تکلیف باید در زمینه‌های ارزشمند داده شود:** درمانگر ممکن است بگوید: «به نظرم مهرداد رنگ‌هایی را که در خانه نام برده اید یاد گرفته. به نظر می‌رسد با این روش خیلی موافق هستید. حالا، این هفته با استفاده از مکث و انتظار برای حرف زدن، تلاش کنید کودک نام رنگ‌ها را به طور خود انگیخته بگوید.»

■ **از والدین بپرسید آیا تکلیف عملی و مناسب است یا خیر:** پیشتر با والدین صحبت کنید و نگرانی‌هایشان را پیش‌بینی کرده و مشکلات را به حداقل برسانید.

■ **تکلیف را نمایش دهید، سپس از والدین بخواهید آن را ترجیحاً با کودک انجام دهند:** این کار درمانگر را مطمئن می‌کند که درباره‌ی تکلیف سردرگمی وجود ندارد و در نگاه نخست به شما می‌فهماند راهبرد بین والدین و کودک چقدر خوب کار می‌کند و اجازه می‌دهد بدانید آیا تکلیف مناسب است یا خیر.

■ **تکلیف را به صورت نوشتاری آماده کنید:** این گام به شما اطمینان می‌دهد والدین درباره‌ی کاری که باید انجام دهند سردرگمی ندارند و چنانچه بحث

شده‌تر باشد. در این موارد، درمانگر ممکن است از آموزش رسمی، یادگیری هدایت شده^{۳۳} و تمرین واقعی^{۳۴} استفاده کند. آموزش می‌تواند به طور فردی، یا به صورت بحث و تبادل نظر گروهی از والدین صورت پذیرد.

آموزش رسمی

آموزش رسمی را می‌توان با به بحث گذاشتن هریک از راهبردهای تحریک زبان و مرور مثال‌ها آغاز کرد. نمونه فعالیت‌های ضبط شده روی نوار کاست یا ویدئو، روش کارآمد آموزش رسمی زبان است. درمانگر می‌تواند مثال‌هایی از راهبردهای مورد استفاده را ضبط و آماده کند.

تمرین هدایت شده

روش‌های تمرین هدایت شده شامل بحث‌های گروهی، ایفای نقش و انتقاد از خود است. برای مثال، در بحث گروهی ممکن است والدین نظر خود را درباره‌ی چگونه علاقمند کردن کودکشان به استفاده از زبان در محیط خانه به بحث بگذارند. آنها ممکن است چگونگی تعامل با کودکشان را بازگو کنند و در مورد تکنیک‌های مورد استفاده تبادل نظر کنند.

در برنامه‌های آموزش در خانه نیز می‌توان تمرین‌های یادگیری هدایت شده را گنجانند. والدین ممکن است مطالبی برای خواندن، همراه با کتاب کار برای یادگیری هدایت شده‌ی این مطالب در خانه دریافت کنند.

تمرین واقعی

والدین در بخش سوم برنامه‌ی بیشتر سازماندهی شده (تمرین واقعی) ممکن است نحوه‌ی بازی با

شنوایی نیازمند تلاش است. در چنین شرایطی معمولاً ارتباط قطع می‌شود و لازم است والدین (در مقایسه با کودکان شنوا) توجه بیشتری به چگونگی بیان گفته‌های خود نشان دهند. گاه ممکن است گفتگو برای والدین ارزشمند نباشد و ممکن است بازخورد مثبت اندکی به آن نشان دهند. اگر کودک پیام والدین را نفهمد و والدین نیز منظور ارتباطی کودک را درک نکنند، گفتگو می‌تواند ناامید کننده شود. با وجود این، درمانگر باید والدین را برای حفظ گفتگو تشویق کند. و در نهایت، این تلاش والدین موجب برانگیختگی کودک برای یادگیری زبان، صحبت کردن و سرگرم شدن در گفتگوهای معنادار می‌شود.

به کودک اجازه دهید آنچه را می‌خواهد درباره‌اش صحبت کند انتخاب کند و به تلاش‌های ارتباطی‌اش پاسخ دهید.

هنگام استفاده از این راهبرد عبارت "با کودک هماهنگ شوید" را به یاد داشته باشید. بزرگسال می‌تواند به کانون توجه کودک نگاه کند و بکوشد درباره‌ی آنچه کودک انجام می‌دهد و موضوع‌هایی که خردسال علاقه دارد، صحبت کند. اظهار نظرها باید با گفته‌ی کودک مرتبط باشند. برای مثال، اگر کودک بگوید: "این ماشین من." پدر می‌تواند بگوید: "شرط می‌بندم آن ماشین می‌تونه تند بره." و احتمالاً نباید بگوید: "جیپی که اونجاست به من بده." اگر کودک اساساً فاقد کلام است و هیچ اظهار نظر اشاره‌ای یا گفتاری وجود ندارد که پاسخی را بطلبد، مخاطب می‌تواند حالت چهره، ایماها و آواسازی غیرقابل فهم کودک را به جای گفتار بپذیرد. برای مثال، انگشت اشاره‌ی کودک

شما را فراموش کنند، نسخه‌ای پشتیبان در اختیار آنها می‌گذارد.

تمرین واقعی را می‌توان با درخواست از والدین که یادداشت‌های روزانه‌ی خود را درباره‌ی تعاملات ارتباطی‌شان با کودک چندین هفته نگه داری کنند، پایش نمود. آنها همچنین می‌توانند روزانه برگه‌ای را که نشان می‌دهد آیا تکنیکی را آگاهانه انجام داده‌اند یا خیر، پر کنند.

پرورش به کارگیری زبان از راه گفتگو

پس از مرور تکنیک‌ها و فعالیت‌های آموزشی تحریک زبان برای والدین، روش‌هایی که والدین می‌توانند در پرورش مهارت‌های محاوره‌ای در کودکان از آنها استفاده کنند مورد بحث قرار خواهند گرفت. روش‌های آموزش والدین همانند روش‌های است که برای تشویق راهبردهای زبان گفته شد. هم روش‌های کمتر سازماندهی شده و هم روش‌های بیشتر سازماندهی شده مناسب هستند. برخی والدین ممکن است برای رشد مهارت‌های محاوره‌ای و یادگیری در استفاده از راهبردهای اصلاحی به شیوه‌ی مطلوب، از آموزش رسمی، یادگیری هدایت شده و تمرین واقعی سود ببرند.

فرض اساسی برای آموزش گفتگوی والد محور این باور است که بهترین شیوه‌ی تحریک رشد زبان در خانه، در بافت گفتگو تأمین می‌شود. در گفتگو لازم است کودک برای بیان معنا و دریافت پیام از زبان استفاده کند و در موقعیت‌های مناسب و برانگیزاننده چنین کند.

اگرچه اهمیت گفتگو بین والد و کودک ممکن است بدیهی به نظر برسد، اما گفتگو همیشه رخ نمی‌دهد. گفتگو، به‌ویژه با کودک دارای آسیب

می تواند موجب شود بزرگسال عبارت "یک قطعه می خواهی؟" را ابراز کند.

اغلب برای تشویق کودک به گفتگو، صرف زمان با کودک و توجه به کانون توجه او کافی است. هرچند، فعالیت های ویژه ای چون جورچین ها، بازی های گفت و شنودی و هنر می توانند موجب گفتگو شوند.

کودک را تشویق کنید داستانسرای و داستانگویی کند و به او جهت بدهید.

اغلب وقتی سرگرم گفتگو می شویم در تجربه های گذشته شریک می شویم، چیزی را شرح می دهیم یا توضیحاتی ارائه می کنیم. درباره ی چیزی که برای ما یا فرد دیگری رخ داده، داستان هایی می گوئیم یا تجربه ی آینده را پیشگویی می کنیم. گفتن چندین جمله ی به هم پیوسته، نوبت های گفتگو را طولانی می کند. اگر کودک نداند چگونه نوبت طولانی را رعایت کند، توانایی اش برای شرکت در گفتگو محدود می شود.

توانایی داستانگویی به ویژه می تواند جنبه ی مهمی در رسیدن به توانش محاوره ای باشد. در داستانگویی، معمولاً مکان و شخصیت های اصلی، موضوع یا هدف، رخدادها یا رویدادهایی که پیرنگ^{۱۵} را می پروارند توصیف و سپس راه حل ارائه می شود. بسیاری از کودکان دارای کاهش شنوایی چشمگیر در داستانگویی با دشواری روبرو هستند. گفتگوی آنها اغلب با هدف های ملموس و نه اشیاء، اشخاص یا امور انتزاعی مرتبط است. دشواری در داستانگویی قابلیت کودکان را برای اینکه مخاطبان فعالی باشند و نوبت های طولانی گفتگو را رعایت کنند، محدود می کند.

دومین رهنمود پیشنهاد شده، مربوط به استفاده از گفتگوی پیوسته در محاوره است. هنگامی که چیزی رخ می دهد یا به نظر می رسد کودک درباره ی چیزی هیجان زده است، بزرگسال ممکن است بگوید، "درباره اش چیزی بگو." "بیشتر بگو." یا "کجا رفتی؟" والدین ممکن است مکث کنند و به کودک زمان بدهند تا بیندیشد و پیام خود را ابراز کند. استفاده از تصاویر همچون عکس یا نقاشی (شکل ۱) که به ویژه در کمک به سازماندهی گفته های کودکان کارآمد هستند نیز سودمند است. تصاویر بازنمود ملموسی از آنچه کودک می خواهد درباره اش صحبت کند فراهم می کنند. بزرگسال می تواند کودک را تشویق کند با نگاه کردن به تصویر به پرسشواژه ها پاسخ دهد. وقتی کودک تنها بخشی از داستان را می گوید، بزرگسال می تواند با گسترش گفته های کودک به او کمک کند جزئیات جا افتاده را کامل کند (مثلاً، "دختر او را محکم نیشگون گرفت"). بزرگسال می تواند به سادگی تصدیق کند (مثلاً، "می بینم.")، علاقه نشان بدهد (مثلاً، "واقعاً؟")، و برخی گفته ها را تکرار کند (مثلاً، "پسر سبب زمینی سرخ کرده را خورد و ..."). چنانچه کودک در پرداخت روایت با مشکل روبه رو باشد، بزرگسال می تواند الگویی از داستانی که به خوبی سازماندهی شده باشد ارائه کند.

پیام های تان را سازماندهی کنید.

در سومین رهنمود لازم است بزرگسال از مهارت های فرا ارتباطی استفاده کند و بیندیشد چگونه منظور خود را بیان کند. این رهنمود مخاطبان بزرگسال را به سازماندهی پیام هایشان تشویق می کند. به طور کلی، پیام خوب سازماندهی شده ابهام آمیز،

طولانی یا پیچیده نیست. چنین پیامی منظم است و در آن ایده‌ها از توالی منطقی پیروی می‌کنند.

با گفتاری واضح صحبت کنید.

هنگامی که سرگرم گفتگو هستیم، اغلب شیوه‌ی گفتاری را برمی‌گزینیم که گفتار محاوره‌ای نامیده می‌شود. در گفتار محاوره‌ای، برخی صداها ممکن است با هم ترکیب و برخی ممکن است حذف شوند. جمله‌های زیر گفتار محاوره‌ای را نشان می‌دهند.

■ "کارارو روبرا کردی؟" به جای "کارها را روبراه کردی؟"

■ "درارو بستنی؟" به جای "درها را بستنی؟"

کودکان دارای آسیب شنوایی در درک گفتار محاوره‌ای با دشواری زیادی روبرو هستند. اگر پیام به شیوه‌ای واضح بیان شود، آنها بیشتر پیام را درک خواهند کرد. گفتار واضح، با سرعت تا حدودی آهسته و تلفظ خوب (و فزونه گویی نشده) مشخص می‌شود. برخی صداها ممکن است کمی طولانی‌تر از حالت طبیعی و کاملاً متمایز باشند، واژه‌های کلیدی تأکید و در مرز جمله‌های پیرو مکث می‌شود. آموزگار دبستان، گوینده‌ی خبر، گوینده‌ی پخش رادیو سراسری و سخنران‌ها مثال‌هایی از افرادی هستند که با گفتار واضح صحبت می‌کنند.

مثبت صحبت کنید و از زبان خرسده گیرانه پرهیزید.

تقریباً هر زمان بزرگسالی صحبت می‌کند، فرد در مقابل زبان منفی حق انتخاب استفاده از زبان مثبت را دارد. استفاده از زبان مثبت به معنای استفاده از واژه‌هایی مانند: می‌توانم به جای نمی‌توانم، انتخاب کردم به جای مجبورم، می‌خواهم به جای نمی‌خواهم

در دو سوی سازمان ضعیف پیام، پیام‌های طولانی و پیام‌های تلگرافی هستند. اگر کودک با مهارت‌های محدود زبانی پرسد: "پیراهن من کجاست؟" کودک احتمال بیشتری دارد پاسخ بزرگسالی را که پاسخ می‌دهد "توی کشو" بفهمد تا بزرگسالی که به جای آن می‌گوید، "هرچند بارها و بارها از تو خواستم پیراهن ات را در کمد آویزان کنی، آن را در کشو گذاشتی." پاسخ نخست، پاسخی روشن است در حالی که پاسخ دوم افزون بر سرزنش، اطلاعاتی فراتر از توان پردازشی کودک ارائه می‌کند. گفتار پیچیده (پیچیدگی نحو، معانی دشوار و استفاده از جمله‌های پیرو زیاد در مفاهیم مرتبط به هم) رابطه‌ی بسیار نزدیکی با پرگویی دارد. مثالی از گفتار پیچیده جمله‌ی "لباس‌های ورزشی که کثیف بودند در ماشین لباسشویی هستند" است. اگر کودک مهارت‌های زبانی محدودی دارد روش سازماندهی بهتر این پیام، ارائه‌ی آن در دو جمله است: "لباس‌های ورزشی کثیف بودند. آنها را درون ماشین لباسشویی ریختم." نقطه‌ی مقابل گفتار طولانی گفتار تلگرافی است و در ساماندهی پیام بزرگسالانی که با کودکان از ارتباط هم‌زمان استفاده می‌کنند، اشتباهی عادی تلقی می‌شود. کودک ممکن است پرسد "جمشید کو؟" اگر مادرش پاسخ دهد "جمشید رفته فوتبال" از گفتار تلگرافی استفاده کرده. در اینجا مادر واژه‌های دستوری مهم را حذف و از دستور زبان نادرست استفاده نموده است. گفتار تلگرافی نه تنها موجب قطع ارتباط می‌شود (به دلیل اینکه کودک ممکن است معنای مورد نظر را نفهمد)، الگویی ناقص از

است. شکست در آغاز کردن گفتگو و ناتوانی در تشخیص کنش‌ها یا گفته‌هایی که منجر به پیامدها می‌شوند، درماندگی آموخته شده را شکل می‌دهند. پاسخ برخی بزرگسالان به درماندگی آموخته شده کنترل گفتگو است. در حقیقت آنها مهتر و کودک، شریک کهنر گفتگو می‌شوند.

نشانه‌های کنترل بیش از حد گفتگوها اینگونه است:

- بیشتر گفته‌های بزرگسال پرسشی هستند.
- واکنش کودک اثر کمی بر گفته‌ی بزرگسال

دارد.

- بزرگسال یک شیء را پس از شیء دیگر نام می‌برد.

■ بزرگسال اغلب تولید گفتار و زبان کودک را اصلاح می‌کند و از او می‌خواهد از الگوی او پیروی کند.

- بزرگسال اغلب موضوع گفتگو را عوض می‌کند. کنترل بیش از اندازه‌ی مخاطبان موجب پرسیدن پرسش‌های بیشتری می‌شود. اگرچه پرسش‌ها می‌توانند هنگام شروع و حتی حفظ گفتگو ابزار سودمندی باشند، زنجیره‌ای از پرسش‌ها می‌تواند سد راه مشارکت فعال کودک شود. اگر بزرگسال اظهار نظر و تأیید کند، احتمال بیشتری دارد کودک در گفتگو شرکت کند و به پرسش‌ها پاسخ دهد. بزرگسال هنگام اظهار نظر اطلاعات تازه یا ایده‌های جدیدی ارائه می‌کند. با تأیید کردن، بزرگسال می‌پذیرد که او در حال توجه است.

نشانه‌ی دیگر کنترل بیش از اندازه‌ی گفتگو نامیدن فراوان است. برای مثال، در یک جلسه‌ی بازی ضبط شده‌ی ویدیویی دیده شد مادری وقتی با کودکش پفک می‌خورد، هر شیء روی میز را

است. برای مثال، به جای گفتن: "چون امروز هوا بارانی است، نمی‌توانیم به گردش برویم." والد ممکن است بگوید: "چون امروز هوا بارانی است می‌توانیم در خانه بمانیم و بازی کنیم."

کودکان دارای آسیب شنوایی در درک گفتار معاوَره‌ای با دشواری زیادی روبرو هستند. اگر پیام به شیوه‌ای واضح بیان شود، آنها پیشتر پیام را درک خواهند کرد

مثبت صحبت کردن امری فراتر از استفاده‌ی مثبت از زبان است. بسیاری از بزرگسالان وقتی با کودکان ناشنوا تعامل می‌کنند، اغلب خرده‌گیری می‌کنند یا با دید منفی پاسخ می‌دهند. متأسفانه، رشد زبان ارتباط معکوسی با فراوانی گفته‌های منفی بزرگسالان دارد. مهم است والدین به یاد داشته باشند برخی کودکان وقتی می‌خواهند واقعاً ارتباط برقرار کنند، چنانچه با نگرشی منفی روبرو شوند تلاش برای گفتگو را متوقف می‌کنند.

بیش از اندازه گفتگو را کنترل نکنید.

آخرین رهنمود آن است که گفتگو با کودک آسیب دیده‌ی شنوایی را بیش از اندازه کنترل نکنید. دو توضیح ممکن (و نه متناقض) وجود دارد، چرا بزرگسالان تمایل دارند هنگام صحبت با کودک آسیب دیده‌ی شنوایی گفتگو را بیش از اندازه کنترل کنند. نخستین احتمال آن است که بزرگسالان می‌خواهند کاهش شنوایی کودک را با تحریک فراوان جبران کنند. نتیجه‌ی ناخواسته‌ی این امر، رفتاری کنترل کننده، آزارنده و آموزگار منساز است. احتمال دوم با درماندگی آموخته شده^{۱۶} مرتبط

است. بزرگسالان موضوع گفتگو را عوض می کنند تا بتوانند آنچه را کودک می گوید یا اشاره می کند دنبال کنند. این رفتار دلیلی است بر اینکه چرا بزرگسالان اغلب پرسش های زیادی می پرسند. آنها می توانند با محدود کردن پاسخ های کودک موجب کاهش دودلی شوند. گاهی اوقات بزرگسالان نسبت به اینکه چگونه کودک به سرعت می تواند آنچه را گفته اند پردازش، یا اطلاعات تازه را دریافت کند بی تفاوت اند. اگر کودک دچار کاهش شنوایی باشد، برای گذر از یک موضوع به موضوع دیگر حتی به زمان بیشتری نیاز دارد.

خلاصه ی رهنمودها برای بهبود تعاملات محاوره ای
دنبال کردن ۶ رهنمود بالا برای بهبود تعاملات محاوره ای ساده است. به طور خلاصه، بزرگسالان خواه با گوش دادن یا توجه به مرکز توجه کودک می توانند به او اجازه دهند انتخاب کند درباره ی چه چیزی صحبت کند. آنها ممکن است الگوبرداری کنند که چگونه داستان بگویند، از کودک بخواهند برای آنها داستان بگویند و او را تشویق کنند تا زنجیره ی مشخصی را از آغاز تا میانه و پایان دنبال کند و سرانجام آنکه، بزرگسالان باید بیاموزند تا به شکل سازماندهی شده صحبت کنند و گفتگوها را بیش از اندازه کنترل نکنند. همانند تکنیک های زبان می توان این راهبردها را نخست با آموزش رسمی، سپس تمرین هدایت شده و سرانجام آموزش واقعی ارایه کرد.

استفاده ی والدین از راهبردهای جبرانی^{۱۷}
والدین برای انجام گفتگویی موفق با کودکشان باید بتوانند قطع ارتباط را جبران کنند. بخشی از طرح

می نامید. او گفت: "ترشی، خیار ترشی". وقتی کودک به چاقو رسید، مادر گفت: "چاقو، چاقوی دسته آبی" و سپس افزود: "ساندویچ، ساندویچ تخم مرغ." او بندرت جمله ی کامل می گفت. این زیاد نام بردن اشیا احتمالاً از آگاهی مادر از محدودیت گنجینه واژگان کودک و اینکه ممکن است کودک تنها عبارت های ساده ی اسمی را بفهمد، سرچشمه می گرفت. در هر حال، نامیدن مواد یکی پس از دیگری، کودک را به شرکت در گفتگو تشویق نمی کند. در چنین حالتی کودک تنها نشان می دهد که نام اشیا را می داند.

بزرگسالان اغلب هنگام اصلاح تولید گفتار و زبان کودک ممکن است گفتگوهایشان را بیش از اندازه کنترل کنند. برای مثال، کودکی که در ضبط ویدیویی با هیجان به مادرش گفت: "ماشین آبی افت." مادر بی درنگ پاسخ داد: "کوروش، بگو ماشین آبی از روی میز افتاد." با این گفته، مادر گفتگو را کنترل کرد. با دادن یک درس زبان، کودک دیگر داستانش را نگفت. درخواست از کودک برای تقلید پیوسته از الگوی بزرگسال نه تنها می تواند پویایی گفتگو را مهار و خودانگیختگی را تخریب کند، ممکن است روش کارآمدی برای رشد زبان و (گفتار) کودک نیز نباشد. کودک ممکن است سرخورده شود یا بزرگسال را نادیده بگیرد و کمتر احتمال دارد اصلاح های انجام شده بوسیله ی بزرگسال را پس از آن لحظه، به یاد داشته باشد.

سرانجام آنکه، بزرگسالانی که بیش از حد گفتگوها را کنترل می کنند گاه موضوع را دائماً عوض می کنند. یکی از دلایل تغییر زیاد موضوع گفتگو، ناشی از مهارت های بیانی محدود کودک

پیدا کنند کودکان از پرسشواژه‌های پیام آگاه است و پیام‌شان مناسب مهارت زبانی و روش ارتباطی کودک است یا خیر.

در آغاز برنامه‌ی آموزش راهبردهای ارتباطی، ممکن است بخواهید به والدین آموزش دهید دریابند چه هنگام کودک پیام‌شان را تشخیص نمی‌دهد. درمانگر اغلب تأکید می‌کند وقتی کودک دارای آسیب شنوایی پیام را نمی‌فهمد، دقیقاً مانند کودک شنوا پاسخ می‌دهد. کودک ممکن است بی‌توجه به نظر برسد، به طور نامناسبی لبخند بزند یا پاسخ دهد، یا ممکن است لاف بزند^{۱۱} و وانمود کند که می‌فهمد. در بیشتر موارد (اما نه لزوماً تمام موارد) والدین می‌توانند با استفاده از هر یک از راهبردهای جبرانی بیان به این نشانه‌های قطع ارتباط پاسخ دهند.

تکرار

معمول‌ترین راهبرد مورد استفاده، راهبرد جبرانی تکرار است. هنگام استفاده از راهبرد جبرانی تکرار، والدین به سادگی پیام نخستین را تکرار می‌کنند، همچون این تبادل نظر:

والد: "کتاب‌ها را کجا گذاشتی؟"

کودک: "هوم؟"

والد: "کتاب‌ها را کجا گذاشتی؟"

تکرار پیام ممکن است به کودک کمک کند آن را تشخیص دهد. اگر کودک بار نخست پیام را درک نکند، شنیدن آن برای بار دوم ممکن است سودمند باشد. با وجود این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند پیش از آنکه کودک، پیام والد را تشخیص دهد راهبردهای جبرانی دیگر ممکن است سودمندتر باشند، به‌ویژه وقتی لازم است چند تبادل نظر رخ دهد.

توانبخشی شنوایی کودک نیز می‌تواند شامل آموزش والدین درباره‌ی نحوه‌ی استفاده از راهبردهای جبرانی (درکی^{۱۸} و بیانی^{۱۹}) باشد. راهبردهای جبرانی، رفتارهایی هستند که برای غلبه بر قطع ارتباط بین شریک‌های ارتباطی انجام می‌شوند. در هر حال، استفاده‌ی کارآمد از راهبردهای جبرانی می‌تواند موجب افزایش تعاملات محاوره‌ای موفق و تبادل اطلاعات ارزشمند شود. در حقیقت راهبردهای جبرانی دستورهای روشنی هستند که به دنبال قطع ارتباط، بی‌درنگ انجام پذیرند. جبران قطع ارتباط نیاز به تلاش و شکیبایی از سوی مخاطبان دارد. وقتی کودک متوجه پیام بزرگسال نمی‌شود، بزرگسال از راهبرد جبرانی بیان استفاده می‌کند و وقتی بزرگسال متوجه آنچه کودک گفته (یا اشاره کرده) نمی‌شود، راهبرد جبرانی درک قابل استفاده است.

راهبردهای جبرانی بیان

قطع ارتباط بهنگام گفتگو را هرگز نباید خطای والدین یا کودک در نظر گرفت. با وجود این، والدین با در نظر گرفتن نیازها و توانایی‌های کودکان می‌توانند قطع ارتباط را به حداقل برسانند. والدی ممکن است از خود پرسد: "توانایی‌های شناختی کودک کدامند؟" یا "آیا سطح زبانی و پیش‌زمینه‌ی دانش کودک برای پیام مناسب است؟" والد ممکن است به بیان هیجانی فرزندش گوش دهد (مثلاً، آیا کودکم آرام، خشمگین یا خسته است؟) و در نظر بگیرد آیا پیام با بافت زبانی یا بافتی ملموس پشتیبانی می‌شود یا خیر. برای مثال آیا پیام، موضوع تازه‌ای را ارائه می‌کند؟ یا آیا پیام را می‌توان به شیء ای در اتاق ربط داد؟ در نهایت، والدین می‌توانند اطمینان

دگرگویی

ساده سازی و کاهش^{۲۲}

همان گونه که در مثال زیر آمده ، ساده سازی پیام ممکن است با استفاده از واژه های ساده تر انجام شود.

مادر: "خوراکی می خواهی؟"

کودک: "چی؟"

مادر: "به به!"

وقتی کودک پیام مادر را نمی فهمد، مادر واژه ی ساده تر "به به" را به جای واژه ی کمتر معمول خوراکی جانشین می کند. کودک با این واژه آشنا تر است و بنابراین احتمال بیشتری دارد آن را شناسایی کند.

شاخ و برگ دادن^{۲۳}

هنگام شاخ و برگ دادن به پیام، واژه های کلیدی بیش از یکبار تکرار شده یا اطلاعات اضافی داده می شود. مادری ممکن است بگوید: "لباست روی جالباسی است." نگاه شگفتزده ی دختر ممکن است موجب شود مادر با گفتن: "لباست روی جالباسی در اتاق خواب است." جمله اش را شاخ و برگ دهد. در این مثال، او واژه های کلیدی را تکرار و کمی بیشتر اطلاعات ارایه کرده است (به این معنا که او کسی بوده که لباس را روی جالباسی گذاشته).

تکرار یک واژه ی کلیدی

تکرار یک واژه ی کلیدی، موضوع گفتگو را تعیین می کند و زمینه ای برای شناسایی واژه ی جایگزین بدست می دهد. اگر گوینده موضوع گفتگو را عوض کند این راهبرد روش کارآمد جبران قطع ارتباط است ، چرا که واژه ی کلیدی به کودک کمک می کند ذهنیت اش را تغییر دهد (به این معنا که حالا درباره ی چیز دیگری می اندیشم). برای مثال،

شاید یکی از چشمگیرترین جنبه های زبان انسان آن باشد که می تواند مطالب یکسان را تقریباً به شیوه های گوناگون بیان کند. برای مثال، عبارت های « وقت شامه، شام حاضره، بریم شام بخوریم» برای بیان زمان صرف وعده ی غذایی شام کارایی یکسانی دارند. بزرگسالان می توانند برای جبران قطع ارتباط از این ویژگی زبان بهره ببرند.

دست کم سه شیوه برای دگرگویی پیامی که خوب درک نشده وجود دارد. شیوه ی نخست، گفتن واژه هایی است که روی چهره آشکارترند. بنابراین، کودک پیام را آسان تر گفتارخوانی می کند.

واژه هایی که روی لبها آشکارترند با دولبی ها (/پ، ب، م/) آغاز و با /ف، و/ (لب بالایی بر دندان های پایینی فشار می آورد) و /س/ (نوک زبان بر دندان های بالایی فشار وارد کند) دنبال می شوند. صداهایی که خیلی روی چهره دیده نمی شوند، شامل صداهایی هستند که درون دهان تولید می شوند مانند /ک، گ، ت، د، ن/. بنابراین، به جای گربه می توانید بگویید پیشی و به جای کشور می توانید بگویید میهن.

روش دوم دگرگویی پیام، استفاده از واژه هایی است که به وسیله ی بافت بهتر مشخص می شوند. برای مثال، اگر کودک کتاب شنگول و منگول را روی میز ببیند ممکن است جمله ی « شنگول و منگول روی میز است » را آسان تر از جمله ی « کتاب روی میز است » گفتارخوانی کند.

روش سوم دگرگویی پیام، استفاده از جمله ای با ساختار متفاوت است. برای مثال، به جای « بریم » می توان گفت: « ما باید بریم ».

دانستن آن می‌گذارد. در مثال زیر کودک معنای واژه‌ی افق را نمی‌داند. هنگام استفاده از راهبرد جبرانی ساخت براساس دانسته‌ها، پدر معنای واژه را تعریف می‌کند. به معنای دقیق، این راهبرد نه تنها در جبران قطع ارتباط بلکه در گسترش زبان نیز کارآمد است.

پدر: "قایق را در افق می‌بینی؟"

کودک: "چی؟"

پدر: "تو آب یک قایقه. قایق در دوردست‌هاست. قایق در افقه."

تدارک بازخورد^{۲۳}

آخرین راهبرد جبرانی بیان، تدارک بازخورد است. وقتی کودک شناسایی بخشی از پیام را نشان می‌دهد، بزرگسال با بازخوردی نشان می‌دهد آیا کودک آن را به درستی شناسایی کرده یا خیر. والد ممکن است بگوید: "آن تکه بیسکویت شکلاتی را به من بده." وقتی کودک به بیسکویت خامه‌ای روی سینی اشاره می‌کند، والد ممکن است پاسخ دهد: «این یکی نه، من بیسکویت شکلاتی می‌خوام.» راهبرد جبرانی بازخورد به کودک می‌فهماند آیا در مسیر درست شناسایی پیام قرار دارد یا خیر. همچنین نشانگر علاقمندی بزرگسال به تشخیص درست پیام کودک است.

راهبرد جبرانی درک

برخی والدین هنگامی که کودک گفته‌ی آنها را درک نمی‌کند، مشکلی در جبران قطع ارتباط ندارند، بلکه مشکل واقعی هنگامی رخ می‌دهد که آنها پیام کودک را درک نمی‌کنند. در حقیقت، با ارزش‌ترین بخش برنامه‌ی آموزش راهبردهای ارتباطی

بزرگسال ممکن است در آغاز بگوید: «بیا امروز دوچرخه‌سواری کنیم.» وقتی کودک گوشش را تیز می‌کند، بزرگسال ممکن است موضوع گفتگو را نشان دهد و بگوید: «دوچرخه، بیا دوچرخه‌سواری کنیم.»

پوشش گزینه‌ای^{۲۴}

وقتی کودک پرسشی را درک نکند، استفاده از راهبرد جبرانی پرسش گزینه‌ای کارآمد است. در مثال زیر درمانگر از راهبرد جبرانی پرسش گزینه‌ای استفاده کرده است.

درمانگر: "کدام برجسب را می‌خواهی؟"

کودک: "چی؟"

درمانگر: "برجسب مرد عنکبوتی یا شیرشاه؟"

کودک: "مرد عنکبوتی."

درمانگر پاسخ‌های کودک را با استفاده از مجموعه‌ی پاسخ‌یسته (مرد عنکبوتی یا شیرشاه) محدود کرده و با استفاده از راهبرد جبرانی پرسش گزینه‌ای به کودک کمک می‌کند پرسش را بفهمد و به آن پاسخ دهد.

مهم است هنگام استفاده از راهبرد جبرانی پرسش گزینه‌ای، پاسخ کودک را با گفتن "بله" یا "خیر" محدود نکنید، چراکه کودک فرصت لاف زدن دارد. برای مثال، درمانگر ممکن است بگوید: "آیا برجسب مرد عنکبوتی را می‌خواهی؟" سپس کودک ممکن است حتی اگر پرسش را درک نکرده باشد سرش را تکان دهد و به طور کاذب قطع ارتباط را جبران کند.

ساخت براساس دانسته‌ها^{۲۵}

هنگام ساخت براساس دانسته‌ها بزرگسال با چیزی که کودک می‌شناسد شروع می‌کند و سپس بنا را بر

با استفاده از راهبرد جبرانی "بیشتر بگو" والدین به تدریج مشکل را با جستجوی اطلاعات بیشتر حل می کنند.

گفتی که...؟^{۲۸}

سومین راهبرد جبرانی درک، بازگویی شنیده هاست. بازگویی پیام نشان می دهد که والدین دست کم می کوشند آنچه را شنیده اند، بفهمند. همچنین با آگاهی از میزان درک والدین، کودک بهتر می تواند اطلاعات از دست رفته را جبران کند. بزرگسال ممکن است پرسد: "گفتی که فرهاد آنجاست؟" سپس کودک می تواند نشان دهد آیا بزرگسال پیام را به درستی درک کرده یا خیر.

اگر بزرگسال نشانه ای از آنچه کودک درباره اش صحبت می کند ندارد، می تواند روی نشانه های غیر کلامی کودک تمرکز کند. برای مثال، اگر خردسال به آهستگی و با انرژی کمی صحبت کند مادرش ممکن است بگوید: «خسته به نظر می رسی. درست حدس زد؟». در این مثال، مادر حس می کند کودک خسته است. نامیدن دقیق یک وضعیت هیجانی و جسمانی نه تنها به اصلاح قطع ارتباط کمک می کند، بلکه نشان می دهد بزرگسال احساس های کودک را تشخیص داده، پیام غیر کلامی را درک کرده و با او همدلی می کند. این موضوع ممکن است کودک را تشویق کند بکوشد قطع ارتباط را جبران کند. همچنین نامیدن به کودک می آموزد هیجان های خود را شناسایی کند و به او کمک می کند برای توضیح آنها واژه هایی را بیاموزد. روش های دیگر بازگویی آنچه کودک گفته عبارت اند از:

■ گفتی که...؟

که برای والدین طراحی شده، احتمالاً بخش مربوط به استفاده از راهبردهای جبرانی درک است.

هنگام بحث با والدین درباره ی راهبردهای جبرانی درک یادآوری این نکته مهم است که قطع ارتباط خطای والد یا کودک نیست (برای مثال "من دوست داشتم بهتر می تونستم حدس بزنم منظور کودکم چیه؟" یا "من دوست داشتم کودکم زبان بهتری داشت."). در هر حال، والدین می توانند همچنان که پیامی را ارایه می کنند، مشکلات ناشی از تمرکز توجه بر کودکشان را با توجه به حرکات بدن کودک و نشانه های بافتی و محیطی و با اعتماد به اطلاعات ذخیره شده درباره ی موضوع مورد گفتگو و کودکشان به حداقل برسانند.

تکرار

راهبرد نخست، راهبرد جبرانی تکرار است. بزرگسال از کودک می خواهد تا پیام را دوباره بگوید. والدین باید کم کم به استفاده از این راهبرد تشویق شوند. اگر والدی پیوسته می پرسد: "چی؟" یا می گوید: "دوباره بگو"، کودک ممکن است ناامید شود و به سادگی بگوید: "هیچی!"

بیشتر بگو^{۲۹}

هنگام استفاده از راهبرد "بیشتر بگو" والدین کودکشان را تشویق می کنند تا اطلاعات اضافی بدهد. همانند این مثال:

کودک: "فرانک اسباب بازی ها را برد."

بزرگسال: "کی؟"

کودک: "اونجا. مال منه."

بزرگسال: "الان پیش اونه؟"

کودک: "بله."

خلاصه

آنچه در این مقاله به آن پرداخته شده روش‌هایی است که به بزرگسالان می‌آموزد چگونه ارتباط برقرار کنند تا کودکان به گفته‌های آنها گوش فرا دهند و چگونه به گفته‌های کودکان گوش داده و پاسخ دهند تا کودکان بخواهند و بتوانند با آنها ارتباط برقرار کنند. با وجود این برای گفتگوی کارآمد و یادگیری زبان، کودک باید معلومات عمومی نیز داشته باشد. برخی از کودکان از آنجا که اطلاعات پایه‌ای درباره‌ی دنیا و اینکه چگونه مردم در دنیا عمل می‌کنند ندارند، هنگام گفتگو با دشواری روبرو می‌شوند. خانواده‌ها اغلب نیازمند درک و پشتیبانی درمانگرند و این امر نیازمند آن است که درمانگر پویایی خانواده را درک کند.

■ فکر کنم گفتی....؟

■ ناراحت به نظر می‌رسی. درست حدس زدم؟

■ اجازه بده ببینم درست فهمیدم؟ تو این کار را انجام دادی؟

■ (با بالا بردن آهنگ کلام آنچه را فکر می‌کنید کودک گفته، تکرار کنید). " کتاب هارو انداختی؟"

به گونه‌ای دیگر بگو^{۲۱}

سرانجام والدین می‌توانند از کودک بخواهند پیام را تغییر دهد. آنها ممکن است از کودکان بزرگتر بخواهند پیام خود را بنویسند و از خردسالان بخواهند تا شکلی بکشند یا منظورشان را بگونه‌ای نمایش دهند.

زیر نویس‌ها:

1. Parent – Centered

2. Competence

مجموعه قواعد و قوانینی را گویند که همه‌ی گویندگان یک زبان به یک شکل فرا می‌گیرند تا به یاری آن بتوانند جمله‌های تازه‌ای بگویند و جمله‌های دیگران را بفهمند.

3. Signaling Expectation

4. Describing & Self- Talk

5. Animation

6. Body Gesture

7. Coo

زودترین مرحله در آواسازی شیرخوار است (معمولاً حدود ۳ ماهگی) که صداهای گفتار گونه (Speech- Like) می‌توانند شنیده شوند. این صداها به لحاظ آوایی نامشخص هستند، نوعاً ویژگی واکه-مانند (Vowel- Like) داشته، و برخی صداهای همخوان-مانند (Consonant - Like) نیز تولید می‌شوند.

8. Modeling & Expansion

9.Parallel- talk

10. Question Stimulation

11. Time- Talk

12. labeling

13.Guided Learning

14. Real word

15. Plot

نقشه، طرح، الگو، یا شبکه‌ای استدلالی حوادث در داستان است و چرایی حوادث را در داستان نشان می‌دهد. به عبارت دیگر پیرنگ نقل حوادث است با تکیه بر روابط علت و معلولی. در هر اثر ادبی پیرنگ نشان می‌دهد هر رخداد به چه دلیلی روی داده و پس از آن چه رویدادهایی و به چه دلایلی رخ می‌دهند.

16. Learned Helplessness

وقتی فردی به مدت طولانی در معرض وقایع آزارنده و غیرقابل کنترل قرار می‌گیرد، سرانجام از سعی برای غلبه بر وضعیت یا حتی فرار دست می‌کشد. به بیان ساده "وقتی کسی با پیامدی روبرو می‌شود که مستقل از پاسخ‌های اوست، می‌آموزد که آن پیامد، مستقل از پاسخ‌های وی باشد و از هرگونه تلاشی برای کنترل آن پیامد دست می‌کشد.

17. Repair Strategy

18. Receptive

19. Expressive

20. WH Question

21. Bluff

22. Simplify & Reduce

23. Elaborate

24. Choice- Question

25. Build from the Known

26. Provide feedback

27. Tell Me More

28. Did you say....?

29. Tell Me In A different Way



منابع :

فرگاس، ژوزف (بی تا). روانشناسی تعامل اجتماعی. برگردان خشایار بیگی، مهرداد فیروز بخت (۱۳۷۳). انتشارات ابجد.
میرصادقی، جمال؛ صادقی، میمنت (۱۳۷۷). واژه نامه‌ی هنر داستان نویسی: فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی. کتاب مهناز.

Crystal D. (1992). *An Encyclopedia Dictionary of Language & Language*. Black well.

Gagne J.P., Jennings M.B. (2007). *Audiological Rehabilitation Intervention Services for Adults with Acquired Hearing Impairment*. In M.Valente, H. Hosford-Dunn, R. Roeser (Eds). *Audiology : Treatment*. Thieme Medical Publishers.

Tye-Murray N. (1998). *Foundation of Aural Rehabilitation .Children, Adults& Their Family Members*. First Edition. Singular Publishing Group.

Tye-Murray N. (2004). *Foundation of Aural Rehabilitation. Children, Adults& Their Family Members* . Second Edition. San Diego: Delmar Learning.